

سنخ‌شناسی فرزندپروری خانواده (ترکیب سبک فرزندپروری پدر و مادر) و تاثیر آن بر اضطراب و افسردگی نوجوانان پسر: رویکردی نو به فرزندپروری

* محمد یاسین سیفی گندمانی¹، سارا کلانتری میبیدی²، نجمه فتح³

خلاصه

مقدمه: پدران و مادران در طیف وسیعی از ویژگی‌های لازم برای فرزندپروری با هم متفاوتند و ترکیب‌های متفاوت شیوه‌های فرزندپروری پدران و مادران با سازگاری و سلامت نوجوانان ارتباط دارد. محیط خانواده و شیوه‌های فرزندپروری نتایج مهمی را در رشد روانی اجتماعی فرزندان به بار می‌آورند. هدف از پژوهش حاضر بررسی تاثیر ترکیب سبک‌های فرزندپروری پدر و مادر بر اضطراب و افسردگی نوجوانان است.

روش کار: نمونه‌ای 356 نفری از دانش‌آموزان دبیرستان‌های پسرانه‌ی دولتی عادی شهر اصفهان در سال تحصیلی 87-88 به صورت خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند و پرسش‌نامه‌های سبک فرزندپروری و آزمون‌های اضطراب و افسردگی بک را تکمیل نمودند. با ترکیب سبک فرزندپروری پدر و مادر، سنخ فرزندپروری خانواده استخراج شد و میزان اضطراب و افسردگی نوجوانان در سنخ‌های مختلف با روش تحلیل واریانس یک‌سویه و آزمون تعقیبی شفه مورد مقایسه قرار گرفت.

یافته‌ها: تحلیل یافته‌های پژوهش نشان داد داشتن حداقل یک والد مقتدر و یا پدر و مادری هر دو آسان‌گیر، نتایج بهتری را برای نوجوانان در پی دارد ($P < 0/001$). در مقابل بی‌اعتنایی هر دو والد ضعیف‌ترین سنخ از نظر پیامدها برای نوجوانان است ($P < 0/001$) و در سنخ‌های در برگیرنده‌ی یک والد بی‌اعتنا، بی‌اعتنایی مادر نتایج نامطلوب‌تری دارد ($P < 0/001$).

نتیجه‌گیری: افسردگی و اضطراب پایین‌تر حاصل اعمال پذیرش و کنترل مطلوب هر دو والد یا حداقل یکی از آن‌ها بر نوجوان و یا همسانی والدین در سبک‌های فرزندپروری است و پیامدهای نامطلوب‌تر حاصل حداقل کنترل و پذیرش و یا تضاد آشکار پدر و مادر است.

واژه‌های کلیدی: اضطراب، افسردگی، سبک فرزندپروری، سنخ‌شناسی، فرزندپروری خانواده، نوجوانان

مقدمه

در دهه‌های اخیر، تحقیقات بسیاری در مورد اثرات شیوه‌های فرزندپروری والدین بر رشد کودک انجام گرفته است. بیشتر تحقیقات پیشین نشان می‌دهند کودکان والدین مقتدر بدون توجه به سن، عملکرد بهتری در مدرسه داشته، مشکلات کمتری دارند و سازگاری عاطفی بهتری نسبت به سایر کودکان نشان می‌دهند (1). اگرچه پژوهش‌های گذشته نشان می‌دهند کودکان از داشتن والدین مقتدر بیشتری سود را می‌برند، اما اکثر این پژوهش‌ها روی مادر متمرکز بوده‌اند (2). پژوهشگران بیشتر سبک فرزندپروری مادر را ارزیابی کرده و این‌گونه تصور می‌کنند که پدران نیز از همان سبک پیروی کرده‌اند. اما متأسفانه اطلاعات ناچیزی در مورد صحت این تصور در دست است و این در حالی است که برخی محققین معتقدند ترکیب‌های متفاوت شیوه‌های فرزندپروری پدران و مادران با سازگاری و سلامت نوجوانان ارتباط دارد (3).

البته برخی پژوهش‌ها سبک فرزندپروری پدر و مادر هر دو را ارزیابی کرده‌اند اما تنها خانواده‌هایی را وارد مطالعه نموده‌اند که پدر و مادر سبک‌های مشابهی در فرزندپروری داشته‌اند (4). به طور کلی باید گفت اطلاعات چندانی در راستای تایید تشابه سبک‌های فرزندپروری پدر و مادر در دست نیست و انتظار می‌رود که آن‌ها اغلب روش‌های متفاوت

* مؤلف مسئول: ایران، بروجن، بلوار مدرس، دانشگاه پیام نور بروجن،

دانشکده‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی

تلفن تماس: 0382-4223311

mseifi@gmail.com

تاریخ تایید: 88/4/10

تاریخ وصول: 87/11/20

¹ کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی، عضو هیات علمی دانشکده‌ی علوم تربیتی

و روان‌شناسی دانشگاه پیام نور بروجن

² کارشناس ارشد روان‌شناسی

³ کارشناس ارشد روان‌شناسی

محققان اغلب روش‌های فرزندپروری مادر را مورد توجه قرار داده‌اند و حتی زمانی که سخن از سبک‌های فرزندپروری والدین به میان می‌آید، تمرکز چندانی روی تعامل روش‌های فرزندپروری پدر و مادر و اثرات این تعامل بر کودک نشده است (4). به عنوان مثال بامریند خانواده‌ها را به سه گروه مقتدر، مستبد و آزاد گذار تقسیم کرد اما در چنین حالتی هر دو والد باید سبک مشابهی می‌داشتند و گرنه از پژوهش حذف می‌شدند (4). در پژوهش دورنبوش اگر خانواده‌ای در یک سبک خاص نمره‌ی بالا (یک سوم بالا) می‌گرفت اما در دو سبک دیگر در یک سوم بالا قرار نمی‌گرفت، به عنوان دارای سبک فرزندپروری خالص تلقی می‌شد و سایر خانواده‌ها دارای سبک متغیر قلمداد می‌شدند. از آن‌جا که فرزندان خانواده‌ای دارای سبک متغیر، میانگین پایین‌تری در عملکرد تحصیلی داشتند لذا نتیجه گرفت که داشتن سبک خالص فرزندپروری بهتر است (6). متأسفانه این پژوهش این احتمال را که یک سبک متغیر ترکیبی بین پدر و مادر می‌تواند موثرتر از یک سبک خالص باشد به حساب نیاورده است و هم‌چنین از اثرات محافظتی سبک‌های متغیر غافل بوده است. به عنوان مثال تاثیر مثبت یک والد مقتدر می‌تواند کودک را از آثار منفی سبک والد دیگر حفظ کند. در پژوهش دیگری سبک‌های فرزندپروری خانواده با محاسبه‌ی میانگین امتیازات پدر و مادر شناسایی شدند. به عنوان مثال اگر یک والد مستبد و دیگری آزادگذار بود، سبک فرزندپروری کل خانواده را مقتدر به حساب می‌آوردند (7). این رویکرد نیز نمی‌تواند پاسخگوی ابهامات موجود در مورد پیامدهای فرزندپروری متفاوت والدین بر روی فرزندان باشد. تحقیقات متعددی نشان داده‌اند که پدران و مادران در طیف وسیعی از ویژگی‌های لازم برای فرزندپروری باهم متفاوتند. به عنوان مثال تفاوت بین پدران و مادران در مدت زمانی که با نوجوانان خود سپری می‌کنند کاملاً مستند و روشن است، پدران در قیاس با مادران وقت کمتری را به فرزندان‌شان اختصاص می‌دهند (8،9). بولاندا، ساباتینی و لیپر معتقدند پدران با دیدگاه سنتی نسبت به پدران آزاداندیش کمتر در امور فرزندپروری دخالت می‌کنند (5،10). به طور کلی مادران تمایل بیشتری به گرمی، حمایت و داشتن روابط نزدیک با

سرپرستی را در پیش گرفته باشند. بنا بر این باید دید چگونه روش‌های متفاوت فرزندپروری پدر و مادر بر رشد کودک تاثیر می‌گذارند. پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به سؤال فوق است.

بامریند از بعد کنترل والدینی برای مشخص نمودن سه سبک فرزندپروری استفاده کرد. این سبک‌ها عبارتند از سبک مستبدانه یا سلطه‌گر که شامل قوانین اجباری و سخت و سطوح پایین پذیرش است. سبک مقتدر که ترکیبی از کنترل و حمایت و علاقمندی منطقی است و اعمال قوانین ثابت همراه با نشان دادن پذیرش در این دسته از والدین یافت می‌شود و سبک سهل‌گیر که با سطوح پایین کنترل مربوط است (4). مک کویی و مارتین مطالعات بامریند را با افزودن پذیرش والدینی به عنوان بعد دوم توسعه بخشیدند و با استفاده از دو بعد کنترل (سخت‌گیری) و پذیرش، سبک‌شناسی چهارگانه‌ای را برای سبک‌های والدینی شکل داده‌اند (1).

جدول 1- ترکیب پذیرش و کنترل در ایجاد سبک فرزندپروری

کنترل بالا	کنترل پایین
مقتدر	سهل‌گیر
مستبد	بی‌اعتنا

بولاندا در پژوهشی شیوه‌های فرزندپروری را در یک بافت وسیع اجتماعی تحلیل نمود. نتایج این تحلیل، شیوه‌های فرزندپروری توصیف شده در مدل کارکرد خانوادگی بامریند را تایید کرد. این سبک‌شناسی چهار وجه زیر را در بر می‌گیرد؛ سبک فرزندپروری سهل‌گیر که سطوح بالای پذیرش و سطح پایین کنترل و تاثیرات والدینی را بر ظاهر و رفتارهای نوجوان اعمال می‌کند. سبک فرزندپروری بی‌اعتنا که در آن نوجوان احساس می‌کند مورد انتقاد واقع می‌شود، انتظارات والدین غیرمنطقی است و حمایت کافی از وی به عمل نمی‌آید. در واقع کنترل و پذیرش هر دو در حد پایین قرار دارند، سبک فرزندپروری مقتدر که سطوح بالای پذیرش را اعمال می‌کند اما برخلاف سبک اول با سطوح بالای حمایت، کنترل و تاثیر والدین بر ظاهر و رفتار نوجوان همراه است و بالاخره سبک فرزندپروری مستبد یا سلطه‌گر که با سطوح پایین تر پذیرش، همراه با سطوح بالای کنترل شناخته می‌شود (5).

به دست می‌آورند؟ دوم این که تا چه میزان یک والد مقتدر می‌تواند کمبودهای والد دیگر را جبران کند؟ و بالاخره سوم این که بدانیم آیا برخی سنخ‌های فرزندپروری که در برگزیده‌ی سبک مقتدرانه نیستند، می‌توانند مانند داشتن والد یا والدین مقتدر عمل کنند؟

روش کار

نمونه‌ی این پژوهش از بین دانش‌آموزان سال دوم و سوم دبیرستان‌های دولتی عادی پسرانه‌ی شهر اصفهان در سال تحصیلی 88-1387 (که با هر دو والد خود زندگی می‌کردند) به صورت خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. به این صورت که ابتدا از بین 5 ناحیه‌ی آموزش و پرورش اصفهان که در مجموع 56 دبیرستان پسرانه را در بر می‌گرفتند، 3 ناحیه به صورت تصادفی انتخاب شد. در مرحله‌ی دوم به صورت تصادفی از هر ناحیه 5 دبیرستان انتخاب گردید. از آن جا که طبقه‌ی اقتصادی اجتماعی می‌تواند با افسردگی و اضطراب نوجوان ارتباط داشته باشد (16) و از طرفی بر اساس نتایج پژوهش‌ها در ایران، سواد پدر مهم‌ترین معیار طبقه‌ی اجتماعی خانواده می‌باشد (17)، لذا فقط افرادی انتخاب شدند که سواد پدر حداقل دیپلم و حداکثر کارشناسی بود تا به این وسیله تأثیرات احتمالی طبقه‌ی اقتصادی و اجتماعی نیز کنترل شود. لذا از بین تمام دانش‌آموزان کلاس‌های دوم و سوم که از نظر تحصیلات پدر و زندگی با هر دو والد، شرایط ورود به پژوهش را داشتند، 400 دانش‌آموز به صورت تصادفی انتخاب شدند. از این تعداد، 44 نفر به دلیل نقایص اساسی در تکمیل پرسش‌نامه‌ها از تحلیل حذف شدند. دانش‌آموزان سال اول به دلیل تحمل استرس‌های خاص حاصل از تغییر مقطع تحصیلی در این پژوهش شرکت داده نشدند. هم‌چنین به دلیل تأکید برخی پژوهش‌ها بر وجود تفاوت‌های جنسیتی در سبک فرزندپروری یعنی تفاوت رویکرد والدین در تربیت فرزندان پسر و دختر با حذف دانش‌آموزان دختر تأثیر جنسیت کنترل شد (3).

ابزارهای پژوهش: الف) در این پژوهش به فرزندپروری از نگاهی نو نگریسته شده است. ابتدا سبک فرزندپروری پدر و مادر به طور جداگانه شناسایی شد. سپس ترکیب سبک

فرزندان‌شان دارند. هم‌چنین مادران بیشتر از سبک مقتدر سود می‌برند در حالی که پدران در پرورش فرزندان پسر از سبک مقتدر و در باره‌ی فرزندان دختر از سبک مستبد استفاده می‌کنند (11). این یافته‌ها حاکی از آن است که پدران و مادران لزوماً از سبک مشابهی پیروی نمی‌کنند و تنها سبک فرزندپروری مادر نمی‌تواند نماینده‌ی کل خانواده باشد.

آنچه مسلم است فرزندپروری والدین تأثیرات شگرفی بر رشد فرزندان دارد. یکی از دوره‌هایی که به دلیل ویژگی‌های خاص خود تأثیرات والدینی را بیشتر آشکار می‌کند، دوره‌ی نوجوانی است. نوجوانی دوره‌ی رشدی بی‌همتایی از زندگی است که فرد را در حالت گذار از کودکی به جوانی و بزرگسالی قرار می‌دهد. این تجربه با دوری از خانه برای اولین بار همراه است (12). برای بسیاری از نوجوانان امروز، این اتفاق با رفتن به دانشگاه روی می‌دهد. این تغییر که در برخی موارد ناگهانی نیز هست تا حدودی اعضای خانواده را دچار بی‌ثباتی می‌کند. از آن جا که نوجوانی گذر از روابط وابسته‌ی پدر و مادر به روابط مستقل با آن‌ها است، نظام فرزندپروری می‌تواند نقش وحدت بخشی را در کمک به نوجوان برای رویارویی با این چالش بزرگ ایفا کند (3).

بدون تردید عواملی در خانواده وجود دارد که به طور وسیعی مسئول مشکلات نوجوانان امروز است. با قاطعیت می‌توان گفت، محیط خانواده و شیوه‌های فرزندپروری نتایج مهمی را در رشد روانی اجتماعی فرزندان به بار می‌آورد (13).

افسردگی کودکان و نوجوانان یکی از ناهنجاری‌هایی است که تعاملات منفی والد فرزند در شکل‌گیری آن نقش مهمی ایفا می‌کند (14). هم‌چنین پژوهش‌ها معتقدند بین سبک‌های فرزندپروری با ویژگی اضطراب در کودکان و نوجوانان ارتباط معنی‌داری وجود دارد (15). با توجه به پیشینه‌ی موجود، بررسی تأثیر شیوه‌های فرزندپروری متفاوت پدر و مادر بر نوجوانان ضروری به نظر می‌رسد و این پژوهش میزان اضطراب و افسردگی نوجوانان را به عنوان دو پیامد شیوه‌های فرزندپروری بررسی نموده است. این بررسی برای پاسخگویی به چند سؤال اساسی انجام شده است. اول این که آیا نوجوانان وقتی به جای یک والد، دو والد مقتدر دارند نتایج بهتری

بازآزمایی آن 0/67 گزارش شده است (20). در فرهنگ ایرانی نیز پایایی این پرسش‌نامه از طریق ضریب همسانی درونی بر اساس آلفای کرونباخ 0/84 و هم‌بستگی حاصل از روش تنصیف سئوالات زوج و فرد 0/7 گزارش شده است (19).

جدول 2- فراوانی سبک‌های فرزندپروری مادران و پدران به تفکیک

شیوه‌های فرزندپروری	مادران		پدران	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد
مقتدر (AV)	153	42/97	136	38/2
مستبد (AN)	75	21/6	91	25/56
سهل‌گیر (I)	56	15/73	43	12/7
بی‌اعتنا (U)	72	20/22	86	24/15
مجموع	356	100	356	100

AV: مقتدر، AN: مستبد، I: سهل‌گیر، U: بی‌اعتنا

ج) جهت سنجش میزان اضطراب نوجوانان از مقیاس آزمون اضطراب بک استفاده شد که دارای 21 گروه جمله است. هر گروه نمره‌ای از 0 تا 3 کسب می‌کند. لذا مجموع امتیازات بین 0 تا 63 متغیر است (18). همسانی درونی این مقیاس 0/92 و پایایی بازآزمایی آن 0/75 گزارش شده است (20). پایایی این آزمون در ایران با روش آلفای کرونباخ برابر 0/78 گزارش شده و روایی مطلوبی نیز به دست آمده است (21).

نیمی از دانش‌آموزان ابتدا پرسش‌نامه‌ی سبک فرزندپروری و سپس با فاصله‌ی 3 تا 5 روز، پرسش‌نامه‌ی اضطراب و افسردگی بک را تکمیل نمودند. نیمی دیگر از آزمودنی‌ها به شیوه‌ی عکس مورد آزمون قرار گرفتند. هم‌چنین جهت کنترل اثرات تقدم و تاخر، در نیمی از موارد ابتدا مقیاس آزمون افسردگی و در نیم دیگر ابتدا مقیاس آزمون اضطراب ارائه می‌شد.

نتایج

در این تحقیق جهت تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش، پس از ترکیب سبک فرزندپروری پدر و مادر، سنخ فرزندپروری خانواده استخراج شد. با توجه به وجود چهار سبک اصلی، در صورت ترکیب حالت‌های ممکن، 16 ترکیب محتمل به دست می‌آید که فراوانی هر کدام از ترکیب‌ها یا سنخ‌های فرزندپروری خانواده در جدول (3) آمده است.

فرزندپروری پدر و مادر به عنوان سنخ فرزندپروری خانواده در نظر گرفته شد. برای این منظور از پرسش‌نامه‌ی اصلاح شده‌ی شیوه‌های فرزندپروری شفر استفاده شد. از آن‌جا که گویه‌های فرم اصلی پرسش‌نامه جهت سنجش سبک فرزندپروری خانواده طراحی شده است و سبک فرزندپروری پدر و مادر را از هم تفکیک نکرده است لذا برای انجام این تفکیک، گویه‌های پرسش‌نامه‌ی مذکور به گونه‌ای تغییر یافت که سئوالات تنها متوجه پدر یا مادر باشد و به این شکل دو فرم موازی جداگانه جهت سنجش سبک فرزندپروری پدر و مادر به دست آمد. برای هر دو پرسش‌نامه‌ی جدید، روایی و پایایی مطلوبی به دست آمد. پایایی دو آزمون سبک فرزندپروری پدر و مادر بر اساس ضریب آلفای کرونباخ به ترتیب 0/86 و 0/91 می‌باشد. هم‌چنین پایایی بازآزمایی این دو آزمون به ترتیب 0/69 و 0/73 به دست آمد که همه‌ی مقادیر زیر در سطح ($P < 0/01$) معنی‌دار هستند. روایی هم‌زمان این دو مقیاس نیز به ترتیب 0/79 و 0/71 می‌باشد. این پرسش‌نامه دارای 77 گویه است که گویه‌های 1 تا 42، بعد محبت و 43 تا 77، بعد کنترل را می‌سنجد. پاسخ‌ها بر روی مقیاس لیکرتی از 1 تا 5 نمره دریافت می‌کنند. لذا هر فرد در بعد محبت بین 42 تا 210 و در بعد کنترل از 35 تا 175 نمره می‌گیرد. این پرسش‌نامه برای مادران و پدران به طور جداگانه نمره‌گذاری شد و بر اساس نمره‌ی به دست آمده در دو بعد پذیرش و کنترل سبک فرزندپروری هر یک از والدین شناسایی گردید. به این صورت که افرادی که در دو بعد کنترل و پذیرش بالاتر از میانگین بودند در گروه مقتدر یا دموکرات، افرادی که در هر دو بعد پایین‌تر از میانگین بودند به عنوان افراد بی‌اعتنا، افرادی که نمره‌ی کنترل کمتر از میانگین ولی پذیرش بالای میانگین داشتند به عنوان سهل‌گیر و کسانی که کنترل بالاتر از میانگین و پذیرش پایین‌تر از میانگین داشتند در گروه مستبد قرار گرفتند. نتایج در جدول (2) خلاصه شده است.

ب) جهت سنجش افسردگی نوجوانان از آزمون افسردگی بک استفاده شد که دارای 21 گروه جمله است. هر گروه، نمره‌ای از 0 تا 3 کسب می‌کند. لذا مجموع امتیازات بین 0 تا 63 متغیر است (18). روایی هم‌زمان این مقیاس 0/79 و پایایی

جدول 3- فراوانی سنخ های 16 گانه‌ی ترکیب فرزندپروری پدر و مادر دانش آموزان دبیرستانی اصفهان

سنخ فرزندپروری	تعداد	درصد
مادر (AV) / پدر (AV)	93	26/1
مادر (AV) / پدر (AN)	12	3/4
مادر (AV) / پدر (I)	13	3/7
مادر (AV) / پدر (U)	6	1/7
مادر (AN) / پدر (AV)	11	3/1
مادر (AN) / پدر (AN)	13	3/7
مادر (AN) / پدر (I)	2	0/6
مادر (AN) / پدر (U)	4	1/1
مادر (I) / پدر (AV)	23	6/5
مادر (I) / پدر (AN)	26	7/3
مادر (I) / پدر (I)	42	11/8
مادر (I) / پدر (U)	21	5/9
مادر (U) / پدر (AV)	6	1/7
مادر (U) / پدر (AN)	4	1/1
مادر (U) / پدر (I)	37	10/4
مادر (U) / پدر (U)	43	12/1
مجموع	356	100

AV: مقتدر، AN: مستبد، I: سهل گیر، U: بی اعتنا

جدول 4- میانگین و انحراف استاندارد نمرات اضطراب آزمودنی‌ها بر حسب سنخ‌های فرزندپروری خانواده

سنخ‌های فرزندپروری خانواده	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
مادر (AV) / پدر (AV)	93	7/88	6/001
مادر (I) / پدر (AV)	23	10/13	8/15
مادر (I) / پدر (AN)	26	15/53	8/11
مادر (I) / پدر (I)	42	9/70	7/63
مادر (I) / پدر (U)	21	11/42	8/19
مادر (U) / پدر (I)	37	15/67	8/67
مادر (U) / پدر (U)	43	17/51	8/51
مجموع	285	11/75	8/37

AV: مقتدر، AN: مستبد، I: سهل گیر، U: بی اعتنا

جدول 5- تحلیل واریانس یک‌سویه برای مقایسه‌ی نمرات اضطراب نوجوانان در 7 سنخ فرزندپروری

منابع تغییرات	مجموع مجدورات	درجه آزادی	میانگین مجدورات	F	سطح معنی داری
بین گروهی	4001/008	6	666/83	11/65	0/001
درون گروهی	15909/294	278	57/22		
مجموع	19910/302	284			

AV: مقتدر، AN: مستبد، I: سهل گیر، U: بی اعتنا

نتایج حاصل از تحلیل واریانس یک‌سویه جهت مقایسه‌ی نمرات اضطراب نوجوانان نشان می‌دهد که بین گروه‌های مورد بحث تفاوت معنی‌داری وجود دارد ($P < 0/001$)، $F(6/278) = 10/51$. لذا جهت مقایسه‌ی میانگین‌ها از آزمون تعقیبی شفه استفاده شد (جدول 6) که نتایج حاصل از آن نشان می‌دهد که میزان اضطراب نوجوانان در حالتی که خانواده دارای سنخ فرزندپروری مادر مقتدر/پدر مقتدر است به طور معنی‌داری کمتر از میزان اضطراب نوجوانان خانواده‌های با سنخ‌های مادر سهل گیر/پدر مستبد، مادر بی‌اعتنا/پدر سهل گیر و مادر بی‌اعتنا/پدر بی‌اعتنا می‌باشد ($P < 0/01$). هم‌چنین میزان اضطراب در سنخ فرزندپروری مادر سهل گیر/پدر بی‌اعتنا به طور معنی‌داری بالاتر از میزان اضطراب نوجوانان در سنخ‌های مادر سهل گیر/پدر مقتدر و مادر سهل گیر/پدر سهل گیر می‌باشد ($P < 0/05$).

بیشترین فراوانی با 93 مورد مربوط به سنخی است که پدر و مادر هر دو مقتدر می‌باشند. نکته‌ی قابل ذکر این که بیش از نیمی از موارد سنخ‌هایی را شامل می‌شود که پدر و مادر سبک مشابهی را اتخاذ نموده‌اند و 12 سنخ باقی‌مانده کمتر از نیمی از موارد را تشکیل می‌دهد. با توجه به این که همه‌ی ترکیبات ممکن فراوانی لازم را جهت ورود به تحلیل نداشته‌اند، تنها سنخ‌هایی وارد تحلیل شدند که حداقل 15 مورد از آن در نمونه‌ها یافت شده بود. بنا بر این 7 سنخ وارد تحلیل شدند و نمرات آزمون افسردگی و اضطراب بک مربوط به فرزندان خانواده‌های دارای این سنخ‌ها مورد مقایسه قرار گرفت (جدول 4). جهت مقایسه‌ی نمرات اضطراب و افسردگی نوجوانان از تحلیل واریانس یک‌سویه و آزمون تعقیبی شفه استفاده شد (جدول 5).

جدول 6- آزمون شفه برای مقایسه‌ی میانگین‌های اضطراب نوجوانان در 7 سنخ فرزندپروری در نوجوانان اصفهان

سنخ (I)	سنخ (J)	تفاوت میانگین‌ها (I-J)	سطح معنی داری
	مادر (I) / پدر (AV)	-2/24	50/9
	مادر (I) / پدر (AN)	-7/65 (**)	0/003
مادر (AV) / پدر (AV)	مادر (I) / پدر (I)	-1/82	0/946
	مادر (I) / پدر (U)	-3/54	0/706
	مادر (U) / پدر (I)	-7/79 (*)	0/001
	مادر (U) / پدر (U)	-9/62 (*)	0/001
	مادر (I) / پدر (AN)	-5/4	0/4
	مادر (I) / پدر (I)	0/42	1
مادر (I) / پدر (AV)	مادر (I) / پدر (U)	-1/29	0/999
	مادر (U) / پدر (I)	-5/54	0/27
	مادر (U) / پدر (U)	-7/38 (***)	0/03
	مادر (I) / پدر (I)	-5/83	0/149
	مادر (I) / پدر (U)	4/109	0/75
مادر (I) / پدر (AN)	مادر (U) / پدر (I)	-0/137	1
	مادر (U) / پدر (U)	-1/97	0/98
	مادر (I) / پدر (U)	-1/72	0/994
مادر (I) / پدر (I)	مادر (U) / پدر (I)	-5/97	0/06
	مادر (U) / پدر (U)	-7/80 (*)	0/001
	مادر (I) / پدر (I)	-4/24	0/645
	مادر (U) / پدر (U)	-6/08	0/171
مادر (U) / پدر (I)	مادر (U) / پدر (U)	-1/83	0/978

AV: مقتدر، AN: مستبد، I: سهل‌گیر، U: بی‌اعتنا (* P<0/05, ** P<0/01, *** P<0/001)

افسردگی نوجوانان در حالتی که خانواده دارای سنخ فرزندپروری مادر مقتدر/پدر مقتدر است به طور معنی‌داری کمتر از میزان افسردگی نوجوانان خانواده‌های با سنخ‌های مادر سهل‌گیر/پدر مستبد، مادر سهل‌گیر/پدر بی‌اعتنا، مادر بی‌اعتنا/پدر سهل‌گیر و مادر بی‌اعتنا/پدر بی‌اعتنا می‌باشد ($P<0/01$).

هم‌چنین میزان افسردگی در نوجوانان سنخ فرزندپروری مادر سهل‌گیر/پدر مقتدر به طور معنی‌داری کمتر از میزان افسردگی در نوجوانان سنخ فرزندپروری مادر بی‌اعتنا/پدر سهل‌گیر و مادر بی‌اعتنا/پدر بی‌اعتنا می‌باشد ($P<0/01$).

جهت مقایسه‌ی میزان افسردگی در نوجوانان خانواده‌های دارای سنخ‌های متفاوت فرزندپروری نیز از تحلیل واریانس یک‌سویه و آزمون تعقیبی شفه استفاده شد که نتایج در جداول (7 و 8) خلاصه شده است.

نتایج حاصل از تحلیل واریانس یک‌سویه جهت مقایسه‌ی نمرات افسردگی نوجوانان نشان می‌دهد که بین گروه‌های مورد بحث تفاوت معنی‌داری وجود دارد ($P<0/001$)، $F(6/278)=41/504$. لذا جهت مقایسه‌ی میانگین‌ها از آزمون تعقیبی شفه استفاده شد (جدول 9). نتایج حاصل از آزمون تعقیبی شفه نشان می‌دهد که میزان

مقدر پیامدهای بهتری را برای فرزندان خانواده به دنبال دارد (4). در این پژوهش نیز بهترین پیامدها یعنی کمترین میزان اضطراب و افسردگی مربوط به نوجوانان خانواده‌هایی است که دو والد مقتدر دارند و پس از آن خانواده‌هایی هستند که حداقل یک والد مقتدر داشته باشند. بر اساس پژوهش‌ها به سختی می‌توان گروهی را یافت که در آن اقتدار دارای اثرات منفی برای نوجوانان باشد یا گروهی که در آن بی‌اعتنایی والدین، نتایج مطلوبی را در برداشته باشد (22). همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد اقتدار حاصل محبت و کنترل هم‌زمان است و شاید علت پیامدهای مثبت اقتدار برای نوجوانان این باشد که فرزندان، کنترل بالا به همراه محبت بالا را نشانه‌ی اهمیت و رسیدگی والدین می‌دانند (4). نکته‌ی جالب این که داشتن دو والد آزادگذار یا سهل‌گیر نیز به اندازه‌ی داشتن یک والد مقتدر در کاهش اضطراب نوجوانان موثر است. این مسئله می‌تواند به این دلیل اتفاق بیفتد که سبک فرزندپروری سهل‌گیر، حاصل محبت بالا و کنترل پایین است که به نوعی پذیرش بی‌قید و شرط نوجوان از طرف والدین است. ضمن این که کنترل پایین از سوی والدین بهترین هدیه به نوجوانی است که در جستجوی استقلال است. در سمت مقابل خانواده‌هایی قرار دارند که هر دو والد بی‌اعتنا هستند. فرزندان این خانواده‌ها بالاترین میزان اضطراب را تجربه می‌کنند. این پیامد می‌تواند به این دلیل رخ دهد که نوجوان بدون دریافت محبت والدین و اعمال کنترل از سوی خانواده، احساس رهاشدگی و معلق بودن می‌کند و پناهگاه امنی برای زمان‌های بحرانی نمی‌یابد لذا اضطراب بیشتری را تجربه می‌کند. خانواده‌های دارای یک والد بی‌اعتنا نیز نسبتاً نمرات بالایی در اضطراب به دست می‌آورند و اثرات منفی آن زمانی بیشتر است که مادر بی‌اعتنا باشد که این یافته تأکیدی بر نقش انکار ناپذیر مادران در جامعه‌ی ایرانی است. نتایج متوسط اضطراب متعلق به سنخ‌هایی است که یک والد آزادگذار یا سهل‌گیر را در بر می‌گیرند. در زمینه‌ی افسردگی نیز بهترین نتایج مربوط به نوجوانان خانواده‌هایی است که از سنخ فرزندپروری مقتدر/مقتدر سود می‌برند. این نوجوانان به طور معنی‌داری کمتر از سنخ‌های مادر سهل‌گیر/پدر مستبد، مادر سهل‌گیر/پدر بی‌اعتنا، مادر بی‌اعتنا/پدر سهل‌گیر، مادر بی‌اعتنا/پدر بی‌اعتنا افسردگی را تجربه می‌کنند.

جدول 7- میانگین و انحراف استاندارد نمرات افسردگی نوجوانان

سنخ‌های فرزندپروری	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
مادر (AV) / پدر (AV)	93	9/88	6/001
مادر (I) / پدر (AV)	23	14/21	6/25
مادر (I) / پدر (AN)	26	17/66	7/33
مادر (I) / پدر (I)	42	11/7	7/63
مادر (I) / پدر (U)	21	18/5	6/65
مادر (U) / پدر (I)	37	22/13	7/609
مادر (U) / پدر (U)	43	28/06	8/03
مجموع	285	17/16	9/52

AV: مقتدر، AN: مستبد، I: سهل‌گیر، U: بی‌اعتنا

جدول 8- تحلیل واریانس یک‌سویه برای مقایسه‌ی نمرات

افسردگی نوجوانان اصفهانی تحقیق در 7 سنخ فرزندپروری

منابع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی‌داری
بین گروهی	12172/37	6	2028/72	41/504	0/001
درون گروهی	13588/59	278	48/88		
مجموع	25760/96	284			

نوجوانان خانواده‌های دارای سنخ مادر سهل‌گیر/پدر مستبد به طور معنی‌داری نسبت به نوجوانان خانواده‌های دارای سنخ مادر بی‌اعتنا/پدر بی‌اعتنا، افسردگی کمتری را تجربه می‌کنند ($P < 0/01$). سهل‌گیری هر دو والد (مادر/پدر) به طور معنی‌داری پیامدهای بهتری را نسبت به زمانی که یکی از والدین یا هر دو آن‌ها بی‌اعتنا هستند یعنی مادر سهل‌گیر/پدر بی‌اعتنا، مادر بی‌اعتنا/پدر سهل‌گیر و مادر بی‌اعتنا/پدر بی‌اعتنا است، به دست می‌دهد ($P < 0/05$) و در نهایت که بی‌اعتنایی هر دو والد (مادر/پدر) نسبت به زمانی که فقط یکی از والدین بی‌اعتنا هستند یعنی سنخ‌های مادر/پدر و مادر/پدر به طور معنی‌داری افسردگی بیشتری را در نوجوانان ایجاد می‌کند ($P < 0/05$).

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش با استفاده از روش جدید سنخ‌شناسی فرزندپروری خانواده، تأثیر ترکیب سبک فرزندپروری پدر و مادر بر اضطراب و افسردگی نوجوانان مورد بررسی قرار گرفت. انتظار می‌رود برخی سنخ‌ها پیامدهای مطلوب‌تری را در نوجوانان داشته باشند. برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهند داشتن حداقل یک والد

جدول 9- آزمون شفه برای مقایسه‌ی میانگین‌های افسردگی نوجوانان اصفهانی تحقیق در 7 سنخ فرزندپروری

سنخ (I)	سنخ (J)	تفاوت میانگین ها (I-J)	سطح معنی داری
	مادر (I) / پدر (AV)	-4/33	0/316
	مادر (I) / پدر (AN)	-7/78 (*)	0/001
	مادر (I) / پدر (I)	-1/82	0/923
مادر (AV) / پدر (AV)	مادر (I) / پدر (U)	-8/62 (*)	0/001
	مادر (U) / پدر (I)	-12/25 (*)	0/001
	مادر (U) / پدر (U)	-18/17 (*)	0/001
مادر (I) / پدر (AV)	مادر (I) / پدر (AN)	-3/45	0/811
	مادر (I) / پدر (I)	-2/51	0/926
	مادر (I) / پدر (U)	-4/28	0/659
	مادر (U) / پدر (I)	-7/91 (*)	0/007
	مادر (U) / پدر (U)	-13/84 (*)	0/001
	مادر (I) / پدر (I)	-5/96	0/073
	مادر (I) / پدر (U)	-0/83	1
مادر (I) / پدر (AN)	مادر (I) / پدر (I)	-4/46	0/401
	مادر (U) / پدر (U)	-10/39 (*)	0/001
	مادر (I) / پدر (U)	-6/802 (*)	0/042
مادر (I) / پدر (I)	مادر (U) / پدر (I)	-10/43 (*)	0/001
	مادر (U) / پدر (U)	-16/35 (*)	0/001
مادر (I) / پدر (U)	مادر (I) / پدر (U)	-3/63	0/729
	مادر (U) / پدر (U)	-9/55 (*)	0/001
مادر (U) / پدر (I)	مادر (U) / پدر (U)	-5/92 (*)	0/029

* P<0/001 AV: مقتدر، AN: مستبد، I: سهل گیر، U: بی اعتنا

سنخ‌ها نیست. اگرچه سهل‌گیری والدین که حاصل محبت بالا و کنترل پایین است می‌تواند افسردگی نوجوانان را کاهش دهد، اما شاید بر مسایلی مثل تعهد تحصیلی، پیشرفت تحصیلی و در کل عملکردهایی که علاوه بر محبت بالا نیاز به کنترل، نظم و برنامه‌ریزی دارد تاثیرات منفی داشته باشد (3).

همان‌گونه که گزارش شد، سنخ دو والد مقتدر و دو والد سهل‌گیر نسبت به همه‌ی سنخ‌هایی که حداقل یکی از والدین سبک بی‌اعتنا را در پیش گرفته است برتری معنی‌داری دارد ($P<0/05$). این می‌تواند به این علت باشد که مولفه‌ی مشترک دو سنخ موفق یاد شده، محبت بالا است و مولفه‌ی مشترک سایر سنخ‌های مذکور، بی‌اعتنایی است. به بیان دیگر هر گاه نوجوانان از طرف والدین محبت و توجه کافی را دریافت نکنند و با بی‌اعتنایی یک یا هر دو والد مواجه شوند، احساس

در این جا نیز آن‌چه جالب توجه به نظر می‌رسد این است که نوجوانان دارای دو والد سهل‌گیر پس از سنخ دو والد مقتدر کمترین میزان افسردگی را گزارش می‌کنند. به گونه‌ای که میزان افسردگی گزارش شده در این سنخ حتی از سنخ مادر سهل‌گیر/ پدر مقتدر نیز پایین‌تر است، هر چند که این تفاوت معنی‌دار نیست. این سنخ نسبت به سنخ‌های مادر سهل‌گیر/ پدر بی‌اعتنا، مادر بی‌اعتنا/ پدر سهل‌گیر، مادر بی‌اعتنا/ پدر بی‌اعتنا به طور معنی‌داری افسردگی پایین‌تری را در نوجوانان تبیین می‌کند ($P<0/05$). شاید بهترین توجیه برای این رویداد مسئله‌ی هماهنگی شیوه‌های پدر و مادر در برخورد با فرزندان باشد. به شرط آن که سبک مورد استفاده هر دو والد، مقتدر یا سهل‌گیر باشد و نه این که هر دو مستبد یا بی‌اعتنا باشند. البته این یافته دلیل بر برتری کلی سنخ دو والد سهل‌گیر بر دیگر

شد. نخست این که سنخ‌های در برگیرنده‌ی سبک مقتدر که محبت و کنترل را در سطح بالایی برای فرزندان فراهم می‌کند و سنخ دو والد سهل‌گیر که در برگیرنده‌ی سطوح بالای محبت است، بهترین پیامدها را (البته در زمینه‌ی اضطراب و افسردگی) برای نوجوانان به همراه دارد. نکته‌ی دوم این که هماهنگی پدر و مادر در شیوه‌ی فرزندپروری به شرط این که هر دو بی‌اعتنا یا مستبد نباشند، نتایج مطلوبی را برای نوجوانان به همراه دارد. سوم آن که تاثیر پدر و مادر، یک تاثیر ترکیبی است و اتخاذ شیوه‌ی مناسب توسط یکی از آن‌ها می‌تواند تا حدودی از پیامدهای منفی شیوه‌ی نامناسب والد دیگر بکاهد که با توجه به یافته‌های موجود، اثر اصلاحی شیوه‌ی فرزندپروری مادر قوی‌تر است و بالاخره این که به نظر می‌رسد در جامعه‌ی ایرانی، مادران هم‌چنان نقش اول را در فرزندپروری بازی می‌کنند چرا که در ترکیب‌های مشابه (مثل مادر بی‌اعتنا / پدر سهل‌گیر و مادر سهل‌گیر / پدر بی‌اعتنا)، زمانی پیامدهای منفی‌تر است که مادر شیوه‌ی فرزندپروری نامطلوب‌تری را اتخاذ نموده باشد.

از محدودیت‌های اساسی این پژوهش، عدم امکان دسترسی به والدین و عدم امکان استخراج سبک فرزندپروری والدین بر اساس اظهارات مستقیم آن‌ها بود. البته در پژوهش‌های خارجی حتی خانواده‌ها توسط مشاهده‌گر مورد مشاهده و بررسی قرار گرفته‌اند که چنین امکانی برای نویسندگان مقدور نبوده است.

تشکر و قدردانی

با تشکر از دانشجویان عزیز رشته‌ی روان‌شناسی دانشگاه پیام نور بروجن که ما را در جمع‌آوری اطلاعات پژوهش یاری نمودند. لازم به ذکر است در انجام این پژوهش از هیچ نهاد دولتی یا غیردولتی کمک مالی دریافت نشده و با منافع شخصی نویسندگان ارتباطی نداشته است.

ارزشمندی خود را از دست می‌دهند و این عاملی است که برای افسرده شدن یک نوجوان بسیار اساسی می‌باشد.

داشتن دو والد بی‌اعتنا بالاترین میزان افسردگی را برای نوجوانان به همراه دارد. این میزان به طور معنی‌داری بالاتر از میزان افسردگی نوجوانان در تمام سنخ‌های دیگر است ($P < 0/05$). این تفاوت حتی نسبت به سنخ‌هایی که یکی از والدین بی‌اعتنا و دیگری سهل‌گیر است نیز معنی‌دار می‌باشد. دو نکته‌ی اساسی در این یافته وجود دارد، نخست آن که بی‌اعتنایی حاصل محبت و کنترل پایین است و حامل پیام بی‌ارزشی و دوست داشتنی نبودن نوجوان است و این رفتار پرخطری از سوی والدین است که فرزندان را در معرض افسردگی، اضطراب و شاید پیامدهای منفی دیگر قرار می‌دهد. نکته‌ی دوم که پاسخ یکی از سؤال‌های پژوهش ما است، این که سنخ فرزندپروری، ترکیب شیوه‌های فرزندپروری والدین است که اتخاذ روش بهتر توسط یک والد می‌تواند نقص روش والد دیگر را تا حدودی پوشش دهد. به شرط آن که سبک‌های فرزندپروری پدر و مادر در تعارض آشکار نباشند. شاهد این مدعا تفاوت معنی‌دار سنخ دو والد بی‌اعتنا با سنخ‌های مادر سهل‌گیر / پدر بی‌اعتنا و مادر بی‌اعتنا / پدر سهل‌گیر است که در آن‌ها اگر چه یک والد بی‌اعتنا است، اما سهل‌گیری والد دیگر که حامل محبت بالا است تا حدودی این نقیصه را جبران کرده است. البته این نکته را نباید فراموش کرد که به طور کلی دو سنخ اخیر نیز به دلیل بی‌اعتنایی حداقل یکی از والدین سنخ‌های چندان مطلوبی به حساب نمی‌آیند و تنها از سنخ دو والد بی‌اعتنا بهترند.

به طور کلی با توجه به نمرات اضطراب و افسردگی نوجوانان سنخ‌های مختلف فرزندپروری، باید چند نکته اساسی را یادآور

References

1. Maccoby EE, Martin JA. Socialization in the context of the family: Parent-child interaction. Handbook of child psychology. New York: Wiley and sons; 1983: 97-101.
2. Marsiglio W, Amato P, Day RD, Lamb ME. Scholarship on fatherhood in the 1990s and beyond. J Marr Fam 2000; 62: 1173-93.
3. Mckinney C, Renk K. Differential parenting between mothers and fathers: Implications for late adolescents. J Fam Issues 2008; 29(6): 806-27.

4. Simons LG, Conger RD. Linking mother-father differences in parenting to a typology of family parenting styles and adolescent outcomes. *J Fam Issues* 2007; 28(2): 218-22.
5. Bulanda RE. Paternal involvement with children: The influence of gender ideologies. *J Marr Fam* 2004; 66: 42-4.
6. Dornbush S, Ritter P, Liederman P, Roberts D, Fraleigh M. The relation of parenting style to adolescents' school performance. *J Child Dev* 1987; 58: 1245-7.
7. Steinberg L, Lamborn S, Dornbush S, Darling N. Over-time changes in adjustment and competence among adolescents from authoritative, authoritarian, indulgent and neglectful families. *J Child Dev* 1994; 65: 758-63.
8. Lewis C, Lamb ME. Fathers' influences on children's development: The evidence from two-parent families. *Euro J Psychol Educ* 2003; 18: 211-77.
9. Renk K, Roberts R, Roddenberry A, Luick M, Hillhouse S, Meehan C. Mother, father's gender role and time parent spend with their children. *J Sex Roles* 2003; 48: 305-15.
10. Sabattini L, Leaper C. The relation between mother's and father's parenting styles and their division of labor in the home: Young adults' retrospective reports. *J Sex Roles* 2004; 50: 217-25.
11. Laibel D, Carlo G. The differential relations of maternal and paternal support and control to adolescent social competence, self-worth and sympathy. *J Adolesc Res* 2004; 19: 778-81.
12. Arnett JJ. Emerging adulthood: A theory of development from the late teens through the twenties. *J Am Psychologist* 2000; 55: 469-80.
13. Shucksmith J, Hendry LB, Glendinning A. Models of parenting: Implications for adolescent well-being within different types of family context. *J Adolescence* 1995; 18(3): 253-70.
14. Lan-lin Y. Parent-child interaction and children's depression: The relationship between parent-child interaction and children's depressive symptoms in Taiwan. *J Adolescence* 2003; 26(4): 453-6.
15. Dyson R, Renk K. Freshmen adaptation to university life: Depressive symptoms, stress and coping. *J Clin Psychol* 2006; 62: 1236-9.
16. Hindin M. Family dynamics, gender differences and educational attainment in Filipino adolescents. *J Adolescence* 2005; 28(3): 299-316.
17. Kalbali I. [Investigation of parenting styles, social class and attribution styles]. MA. Dissertation. Shiraz: Shiraz University, College of education sciences, 1994; 125-31. (Persian)
18. Kaviani H, Mousavi A, Mohit A. [Interview and psychological tests]. Tehran: Sana; 2001: 121-3. (Persian)
19. Goodarzi M. [Investigation of reliability and validity of Beck hopelessness scale in Shiraz University]. *Journal of social and humanistic science of Shiraz University* 2002; 2(36): 26-39. (Persian)
20. Beck AT, Clark DA. Anxiety and depression: An information processing perspective. *J Anxiety Res* 1988; 1: 23-36.
21. Kazemi H. [Cognitive distortions in depressed and anxious patient]. MA. Dissertation. Shiraz: Shiraz University, College of psychology and education sciences, 2003; 87-90. (Persian)
22. Bradford K, Barber BK, Olsen JA, Maughn SL, Erickson LD, Ward D, et al. A multi-national study of interpersonal conflict parenting and adolescent functioning. *Marr Fam Rev* 2003; 35: 107-37.